

## پوتین همچنان رویاهای اردوغان را برپا می‌دهد؟

هرچند امکان تقابل نظامی بین روسیه و ترکیه با توجه به تبدیل آن به تقابل روسیه با ناتو بسیار پایین است اما امکان بهبود روابط نیز با توجه به زمینه‌های موجود پایین است و حتی ابزار اقتصادی که اصلی‌ترین ابزار پراگماتیک روابط دو طرف در دوران پسا شوروی بوده هم‌اکنون با تمهیدات تحریمی روس‌ها دچار خلل جدی شده است.



گزارش آران نیوز به نقل از خبرگزاری فارس علیرضا کریمی: سال 2012، «رجب طیب اردوغان»، نخست‌وزیر وقت ترکیه و رئیس‌جمهور فعلی این کشور در سودای برپایی نماز در دمشق بود. در سال 2016 و در ساعاتی که این یادداشت به رشته تحریر درمی‌آید، سربازان ارتش سوریه تا مرزهای شمالی این کشور با ترکیه بار دیگر پیش رفته‌اند و سودای فتح دمشق دست‌کم در این برهه از زمان بیشتر به یک رویای دست‌نیافتنی می‌ماند تا یک راهبرد نظامی یا سیاسی. در استان شمالی حلب که بخش‌های مهمی از آن در اختیار گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ترکیه، قطر و عربستان سعودی قرار داشت، تروریست‌ها آن قدر در ماه‌های اخیر زمین از دست داده‌اند که به باور برخی تحلیل‌گران، در میز مذاکرات ژنو، چیز زیادی در دست گروه‌های مخالف حکومت باقی نمانده است. شرایط آن‌قدر سخت شده که سعودی‌ها سخن از گسیل داشتن نیروهای زمینی به سوریه رانده‌اند؛ ادعایی که بعید است چندان با واقعیت مطابق باشد.

اما چه شد که سودای اردوغان تا این حد از دسترس خارج شد؟ هشتم مهرماه سال جاری بود که جنگنده‌های روسیه برای اولین بار مواضع گروه‌های مسلح را در سوریه هدف حملات خود قرار دادند. این حمله با حملات ائتلاف غربی ضد داعش یک تفاوت بسیار جدی داشت: «روس‌ها همه گروه‌های تروریستی را هدف قرار می‌دهند نه فقط داعش را.» در ضمن، حملات روس‌ها بسیار جدی‌تر و کارآمدتر از حملات ائتلاف بود و از سوی دیگر، با واقعیات روی زمین و عملیات ارتش سوریه و حزب‌الله لبنان هماهنگ بود. چنین شد که ادامه این حملات ظرف 3 تا 4 ماه، آثار گسترده‌ای را از خود نشان داد و واقعیات روی زمین را به شکل قابل ملاحظه‌ای تغییر داد. یقیناً اردوغان، روس‌ها را در کنار عملیات مستشاری ایران و سلحشوری حزب‌الله لبنان، اصلی‌ترین مانع بر سر تحقق رویاهایش در سوریه می‌بیند. در این یادداشت، قصد داریم به این بپردازیم که چه نسبتی بین منافع روسیه و سوداهای اردوغان می‌تواند وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، این یادداشت تلاش می‌کند با نگاهی تاریخی، به زمینه‌های تاریخی اختلاف بین ترکیه و روسیه بپردازد.

\* همان دشمن دیرینه

شاید بتوان روسیه و ترکیه را در یک نگاه تاریخی کلی 2 دشمن دیرینه دانست. در دوران امپراطوری عثمانی، جنگ‌های مختلفی بین روسیه و عثمانی درگرفت که شاید این سلسله جنگ‌ها را باید یکی از علل فروپاشی «مرد بیمار اروپا» دانست. به دیگر سخن، رقابت تاریخی بین روسیه و ترکیه از دوران امپراطوری عثمانی آغاز می‌شود. در منابع تاریخی، 12 جنگ بین روسیه و امپراطوری عثمانی ذکر گردیده است.

اولین سلسله از این جنگ‌ها بین سال‌های 1568 تا 1570 میلادی رخ داد که با پیروزی نظامی روسیه همراه بود. جنگ‌های 1676 تا 1681 پیروز مشخصی نداشت اما در سومین سلسله از جنگ‌های روسیه و عثمانی بین سال‌های 1686 تا 1700 روس‌ها موفق شدند از عثمانی‌ها زمین بگیرند اما عثمانی‌ها توانستند در جنگ سال‌های 1710 تا 1711 روس‌ها را شکست دهند. جنگ‌های 1735 تا 1739 به‌خاطر ادعاهای ارضی روسیه نسبت به آزوف و کریمه شکل گرفت. در جریان این جنگ امپراطوری هابسبورگ هم به نفع روسیه وارد میدان نبرد شد اما با پیمان صلح موسوم به بلگراد بین عثمانی و هابسبورگ که مناطق وسیعی را در اختیار عثمانی قرار می‌داد، روس‌ها هم مجبور به پیمان صلح با عثمانی شدند؛ لذا از ادعاهای خود در خصوص کریمه دست کشیدند اما توانستند در آزوف بندر داشته باشند. بین سال‌های 1768 تا 1774، باز هم روس‌ها و عثمانی‌ها به جنگ هم رفتند. این جنگ بر سر مناطقی مثل کریمه و کاباردا شکل گرفت و از نظر نظامی، روس‌ها پیروز آن بودند. با این حال، سرزمین‌هایی که روس‌ها تصرف کردند از آنچه انتظار داشتند کمتر بود. سیاست ایجاد موازنه قوا توسط قدرت‌های اروپایی و جلوگیری از ایجاد هژمونی روسیه، یکی از علل این ناکامی بود.

سال 1787 باز هم جنگ‌هایی بین روسیه و عثمانی تضعیف شده آغاز شد که این بار تا سال 1792 ادامه داشت. در این جنگ عثمانی‌ها تلاش داشتند که آنچه در سال‌های گذشته به روس‌ها داده بودند را پس بگیرند. در این جنگ که تقریباً همزمان با جنگ عثمانی با اتریش شکل گرفت، مرد بیمار اروپا نه تنها آن سرزمین‌ها را بازپس نگرفت بلکه «کریمه» را هم از دست داد. در این جنگ فرانسه و انگلستان از عثمانی‌ها حمایت می‌کردند.

بین سال‌های 1806 تا 1812، سلسله دیگری از جنگ‌ها بین روسیه و عثمانی رخ داد. در پرتو شکست‌های اولیه روس‌ها از ناپلئون و با مشورت فرانسه، سلطان سلیم سوم، سلطان عثمانی، به روسیه حمله کرد اما این جنگ‌ها هم با شکست نظامی عثمانی پایان یافت. از 1828 تا 1829، در پی جنگ استقلال یونان از عثمانی، سلطان عثمانی تنگه داردانل را به روی روس‌ها بست و جنگی دیگر شکل گرفت، ولی مرد بیمار اروپا باز هم جنگ را باخت.

اما سال‌های 1853 تا 1856 یکی از مشهورترین جنگ‌ها بین عثمانی و روسیه شکل گرفت که به «جنگ کریمه» معروف شد. در مراحل اولیه این جنگ باز هم عثمانی‌ها از نظر نظامی شکست خوردند اما با ورود فرانسه و بریتانیا به جنگ، ناوگان روسیه در دریای سیاه منهدم شد و ائتلاف عثمانی، فرانسه و بریتانیا موفق شد در جنگ پیروز شود. منتها عثمانی‌ها که داعیه خلافت بر جهان اسلام را داشتند، مجبور شدند برای مسیحیان حقوق شهروندی وضع کنند، به عنوان امتیازی در برابر کمک فرانسه و انگلستان. به این ترتیب ساختار درونی امپراطوری عثمانی دچار تنش‌های جدی شد.

از سال 1877 تا 1878 هم جنگ دیگری بین روسیه و عثمانی شکل گرفت. علت آغاز این جنگ حمایت روس‌ها از نهضت‌های ملی‌گرایانه در بالکان بود. روس‌ها در این جنگ بخش‌هایی از قفقاز را به خاک خود ضمیمه کردند. از نتایج این جنگ تشکیل مجدد کشور بلغارستان پس از پنج قرن بود. به این ترتیب این جنگ هم با پیروزی روس‌ها پایان یافت.

جنگ بعدی شاید از تمام جنگ‌های قبل مشهورتر باشد: «جنگ اول جهانی». در این جنگ روسیه و عثمانی با هم می‌جنگیدند اما در واقع هر دو شکست خوردند. امپراطوری عثمانی فروپاشید و پس از تلاش‌های بسیار آتانورک، ترکیه از ویرانه‌های آن سربرآورد. روسیه هم با انقلاب اکتبر 1917 مواجه شد و حکومت زارها بر آن پایان یافت. به این ترتیب، مواجهه دو موجودیت متخاصم پایان یافت. نگاهی به سابقه فوق نشان می‌دهد که در این سلسله جنگ‌ها، عثمانی غالباً بازنده بوده است. روند فوق به‌خوبی نشان می‌دهد که ذهنیت تاریخی ترکیه و روسیه چگونه نسبت به هم شکل گرفته است و دو طرف هویت خود را نسبت به یکدیگر چگونه می‌بینند. حدود چهار قرن نبرد، نمی‌تواند دوستی پاینده به بار آورد.

\* پس از عثمانی

فروپاشی امپراطوری عثمانی مساوی تاسیس ترکیه امروزی نبود. مرزهایی که از سوی قدرت‌های بین‌المللی برای تاسیس ترکیه در نظر گرفته شده بود، محدودتر از آن چیزی بود که

امروز هست اما رزم سخت نیروهای ترک به رهبری «مصطفی کمال پاشا» یا همان «آتانورک» توانست این مرزها را به پیش براند. در همین حال، در روسیه نیز دولتی با داعیه انترناسیونالیستی بر سر کار آمده بود که سیاست اعلامی آن حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش ملی و نفی استعمار در سطح بین‌المللی بود و در زمان «لنین» تا حدودی هم به این سیاست عمل می‌کرد.

این دوران را باید ماه عسل روابط ترکیه با روسیه (شوروی سابق) دانست، دورانی که در ترکیه از آن به عنوان «جنگ استقلال ترکیه» یاد می‌شود. معاهده «سیور» که در سال 1920 توسط امپراطوری شکست‌خورده عثمانی به امضا رسیده بود ترکیه را به بخش‌هایی از آناتولی محصور می‌کرد. معاهده مزبور از میرا به یونان می‌داد و بخش‌هایی از جنوب غربی ترکیه امروزی هم بر اساس معاهده سیور در کنترل ایتالیایی‌ها باقی می‌ماند. بخش‌هایی از ترکیه هم در اختیار فرانسوی‌ها بود. این شرایط باعث شد تا انقلابیون ترک این تصمیمات را نپذیرند و ائتلافی از انقلابیون، وارد جنگ‌هایی با متفقین شود که به جنگ‌های استقلال ترکیه مشهور شد. خلافت عثمانی در اول نوامبر سال 1922 رسماً از بین رفت و در اکتبر همان سال جمهوری ترکیه برقرار شد. مجلس ملی هم به عنوان تنها مرجع حکومت در ترکیه تعیین شد. در این دوران روابط گرمی بین مسکو و آنکارا برقرار شد. بلشویک‌های حاکم بر روسیه از انقلابیون ترک حمایت می‌کردند و حتی روسیه از برخی ادعاهای ارضی که تا آن زمان نسبت به ترکیه داشت، دست برداشت. بین سال‌های 1920 تا 1922، بلشویک‌ها انواع و اقسام تسلیحات را در اختیار کمالیست‌ها قرار می‌دادند و از آنها در نبرد استقلال حمایت می‌کردند. در همین حال، شوروی لنین اولین کشوری در جهان بود که ترکیه آتانورک را به رسمیت شناخت.

در 16 مارس سال 1921 نیز توافقی بین دو طرف امضا شد که به «پیمان مسکو» مشهور گردید. در این پیمان دو طرف به توسعه روابط دوستانه متعهد شدند. اما روابط با شوروی استالین نمی‌توانست به این خوبی باقی بماند. استالین به خون یک رقیب داخلی همیشه تشنه بود: «لئون تروتسکی». تروتسکی که از شوروی گریخته بود، پیش از آنکه در مکزیک با تبر یک استالینیست کشته شود، در سال 1929 به ترکیه آمد و چهار سال در این کشور زندگی کرد. روابط ترکیه و شوروی از سال 1936 به بعد تنش‌آلود توصیف شده است. در جریان جنگ دوم جهانی با وجود آنکه ترکیه تا قبل از 23 فوریه 1945 - بی‌طرف بود، شوروی استالین همواره به حفظ روابط ترکیه با آلمان اعتراض داشت. در آن دوران کشتی‌های جنگی آلمانی اجازه داشتند از تنگه‌های تحت تسلط ترکیه عبور کنند. در سال 1952 هم که ترکیه رسماً به ناتو پیوست، طبعاً خصومت خود را با بلوک شرق علنی کرد و به‌طور کامل در برابر شوروی ایستاد. ترکیه بخشی از استراتژی مهار واشنگتن علیه مسکو در این دوران بود.

\* پس از فروپاشی شوروی  
بار دیگر با یک فروپاشی، روابط ترکیه و روسیه رو به بهبود می‌گذارد. در سال 1992، «سلیمان دمیرل»، نخست‌وزیر وقت ترکیه به مسکو که دیگر پایتخت شوروی نبود سفر کرد و یک پیمان همکاری هم با طرف روس به امضا رساند. بهبود روابط ترکیه و روسیه پس از فروپاشی ابرقدرت شرق، بیش از هر چیز بستر اقتصادی داشت. روسیه در این دوران به یکی از اصلی‌ترین تامین‌کنندگان انرژی ترکیه تبدیل شد و در مقابل شرکت‌های ترکیه‌ای در روسیه شروع به سرمایه‌گذاری کردند. در همین حال صادرات محصولات کشاورزی نیز از ترکیه به روسیه رونق یافت. از دیگر سو، سیل جهان‌گردان روسی به مقصد ترکیه به راه افتاد تا دو کشور به شرکای تجاری جدی بدل شوند. سال 2009، شهر سوچی روسیه شاهد دیدار اردوغان و پوتین بود که آن زمان هر دو نخست‌وزیرهای کشورشان بودند. در این دیدار دو طرف کلماتی بر زبان آوردند که همه نشان از میل به همکاری و تعامل داشت. در سال 2010 نیز «دیمیتری مدودوف»، رئیس‌جمهور وقت روسیه در راس هیاتی بلندپایه عازم ترکیه شد و در این سفر اسناد همکاری متعددی به امضا رسید، یکی از آنها لغو لزوم دریافت روایید برای سفر از روسیه به ترکیه و بالعکس بود. همچنین قراردادی هم برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در ترکیه توسط روسیه به امضا رسید.

اما این ماه عسل دوباره هم خیلی طول نکشید. سال 2011، سوریه، همسایه ترکیه و حوزه نفوذ روسیه دچار بحرانی جدی شد که در خصوص آن مواضع مسکو و آنکارا با یکدیگر تشابه چندانی نداشت. از این پس باز هم روابط سوریه و ترکیه دچار تنش شد. در سال 2013، بی‌بی‌سی گزارش داد که تنها 30 درصد از مردم ترکیه نسبت به گسترش نفوذ روسیه در کشورشان دیدگاه مثبتی دارند.

اوج بحران پس از آن شروع شد که روس‌ها تصمیم گرفتند با هماهنگی دولت سوریه، وارد نبرد نظامی با شبه‌نظامیان مخالف حکومت شوند. بسیاری از گروه‌هایی که هدف حملات هوایی روس‌ها قرار گرفته و می‌گیرند، گروه‌های تروریستی هستند که ترکیه با آنها روابط حسنه و همکاری دارد. نقطه عطف تنش‌ها هم به تاریخ سوم آذر 94 بازمی‌گردد که در آن تاریخ، جنگنده‌های اف 16 ترکیه‌ای یک جنگنده سوخو 24 روس را با ادعای نقض حریم هوایی ترکیه، هدف قرار داده و ساقط کردند. پس از این اتفاق حوادثی در روابط دو طرف روی داد که مخاطبین گرامی با جزئیات آنها آشنا هستند و نیازی به تکرارشان نیست. تحریم ترکیه توسط روسیه، وارد شدن موشک‌های اس 400 روسیه به خاک سوریه و جنگ لفظی شدید بین مقامات دو کشور از این جمله‌اند. اردوغان که زمانی سودای منطقه پرواز ممنوع را در سوریه در سر می‌پروراند اکنون شاهد آن است که این منطقه ایجاد شده اما نه برای جنگنده‌های سوریه بلکه برای جنگنده‌های ترکیه. نیروی هوایی ترکیه هیچ جنگنده‌ای در اختیار ندارد که بتواند از گزند موشک‌های اس 400 بگریزد.

\* آنچه تاریخ می‌گوید  
نگاهی کلان به سیر تاریخی فوق، دست‌کم می‌تواند نتایج ذیل را دربرداشته باشد:  
الف نوع روابط ترکیه و روسیه از بعد تاریخی، از جنس رقابت خصومت است نه رقابت همکاری.  
ب عموماً درگیری‌های این دو کشور در طول تاریخ بر سر «زمین» یا «حوزه نفوذ» بوده است؛ بنابراین ماهیت رقابت و خصومت ترکیه‌ای‌ها و روس‌ها دارای جنبه غالب ژئوپلیتیک است.

ج برهه‌های بهبود روابط دو کشور، عموماً برهه‌های تغییر سیستم سیاسی در یکی از دو کشور و یا هر دوی آنهاست. در دوران تثبیت که هر دو کشور به دنبال سودهای ژئوپلیتیک خود هستند، عموماً روابط دو طرف تنش‌آلود بلکه خصومت‌آمیز است.

د در درگیری‌های نظامی بین دو طرف، عموماً دست برتر با روس‌ها بوده است.  
ه تاریخ شهادت می‌دهد که احتمال اتحاد غرب با ترکیه علیه روسیه وجود دارد (جنگ کریمه) و حتی این اتحاد می‌تواند با پیروزی همراه باشد. در اینجا توجه به این نکته هم حائز اهمیت است که ترکیه در ائتلاف نظامی ناتو حضور دارد و دفاع غرب از این کشور در برابر روسیه قابل تصور است.  
و انتظار نقشی که در پی هنجارهای ایجاد شده بین دو طرف در طول تاریخ شکل گرفته، غالباً تفسیر رفتار طرف مقابل را بر مبنای خصومت ممکن می‌کند و بر این اساس، دوستی بلندمدت بین دو کشور را مشکل می‌سازد.

\* و اما آینده ...  
روند گذشته همواره در تبیین آینده کارساز است. در شرایط فعلی، نتیجه بحران سوریه می‌تواند تأثیری کارساز بر آینده روابط ترکیه و روسیه گذارد. «الکسی چسناکوف» (Alexey Chesnakov)، تحلیل‌گر روس بر این باور است که اگرچه در حال حاضر نمی‌توان درگیری بیشتری را بین روسیه و ترکیه متصور شد اما بهبود روابط هم متصور نیست. به باور وی، روابط ترکیه و روسیه [دست‌کم در آینده نزدیک] با «چالشی به بن‌بست رسیده» مواجه خواهد بود.  
«آیلین یونور نوی» (Aylin Unver Noi) از دانشگاه جانز هاپکینز بر این باور است که سیاست‌های پوتین از اندیشه‌های یک دانشمند علوم سیاسی روس به نام «الکساندر دوگین» (Aleksandr Gelyevich Dugin) نشأت می‌گیرد که معتقد به احیای امپراطوری روسیه است. در عین حال، ترکیه اردوغان نیز به دنبال احیای حوزه نفوذ «نوعثمانی» با بهره‌گیری از انقلاب‌های عربی بوده است. به باور نوی، دوران «عمل‌گرایی» در روابط بین ترکیه و روسیه به سر رسیده است.

الکساندر دوگین

«سوگی آکارسیم» (Sevgi Akareme)، تحلیل‌گر ترکیه‌ای بر این باور است که پس از سرنگونی جنگنده سوخو 24 روسیه، روابط آنکارا مسکو دیگر هرگز به حالت قبل باز نخواهد گشت. به باور او، برای آینده قابل پیش‌بینی، روابط ترکیه و روسیه در یک زمستان سرد باقی خواهد ماند.

در همین حال، «آکین یونور» (Akin Unver)، استاد دانشگاهی در استانبول بر این باور است که کمک به گروه‌های کرد سوریه که با دولت ترکیه مخالف‌اند، می‌تواند از پاسخ‌های روس‌ها به سرنگونی هواپیمایشان باشد. به نظر می‌رسد این گزینه از سوی روس‌ها در حال پیگیری است.

مرکز مطالعات «الجزیره» در گزارشی که دسامبر سال گذشته میلادی منتشر کرد، به طرح این دیدگاه پرداخت که بهترین راه برای پایان خصومت فعلی بین روسیه و ترکیه، یافتن راه‌حلی سیاسی برای بحران سوریه است اما روند تلاش‌ها برای پیدا کردن راه‌حل مزبور نشان می‌دهد که چنین راه‌حلی به راحتی در دسترس نیست. مرکز مطالعات الجزیره بر این باور است که روس‌ها حملات خود را علیه مخالفین سوریه مورد حمایت ترکیه، قطر و عربستان سعودی تشدید می‌کنند و همچنین با کردهای سوریه روابط نظامی برقرار خواهند کرد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عموم تحلیل‌ها که نمونه‌هایی از آنها فوقا ذکر شد، بر این مصرند که روابط ترکیه و روسیه در آینده نزدیک نمی‌تواند شاهد بهبود قابل توجهی باشد. در واقعیت هم نباید انتظاری جز این داشت.

هرچند امکان تقابل نظامی بین روسیه و ترکیه با توجه به تبدیل آن به تقابل روسیه با ناتو بسیار پایین است اما امکان بهبود روابط نیز با توجه به زمینه‌های موجود پایین است. حتی ابزار اقتصادی که اصلی‌ترین ابزار روابط دو طرف در دوران پسا شوروی بوده است هم اکنون با تمهیدات تحریمی روس‌ها دچار خلل جدی شده است.

هویت ترکیه و روسیه در شرایط فعلی همچنان متخاصم است و سودهای ژئوپلتیک دو طرف نیز همچنان متعارض. با این وصف، به احتمال زیاد، روند گذشته در آینده نیز باقی خواهد بود و رقابت خصومت در آینده نیز ادامه خواهد یافت. به این ترتیب، پوتین همچنان بر باد دهنده رویاهای اردوغان باقی می‌ماند. نظریات الکساندر دوگین و نوع‌ثمانی‌گرایان، به این راحتی‌ها با هم جمع‌شدنی نیستند.